



رئیس جمهور:

محمدعلی بهمنی، غنای فراوانی به ادبیات ملی بخشید



رئیس جمهور در پیامی، درگذشت شاعر نام آشنا و خوش قریحه کشور مرحوم محمدعلی بهمنی را به اهالی فرهنگ و هنر کشور تسلیت گفت. در پیام مسعود پزشکیان آمده: «درگذشت شاعر نام آشنا و خوش قریحه، مرحوم محمدعلی بهمنی، موجب تأثر و اندوه اینجانب شد. این شاعر توانمند و دارنده «تندیس خورشید مهر» به عنوان برترین غزل سرای کشور با سبک خاص، ذوق هنرمندانه و نگاه خلاقانه، انسانی و مردمی به شعر، جذابیت‌های خاصی به اشعار خود و غنای فراوانی به ادبیات ملی بخشید و نام و یاد ماندگار از خود برجا گذاشت. فقدان این چهره پراح فرهنگی را به اهالی فرهنگ و هنر کشور، عموم دوستداران و بویژه خانواده محترم آن مرحوم تسلیت می‌گویم و برای ایشان رحمت و رضوان الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی خواستارم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

او معلمی بی ادعا برای شاعران امروز و فرداست



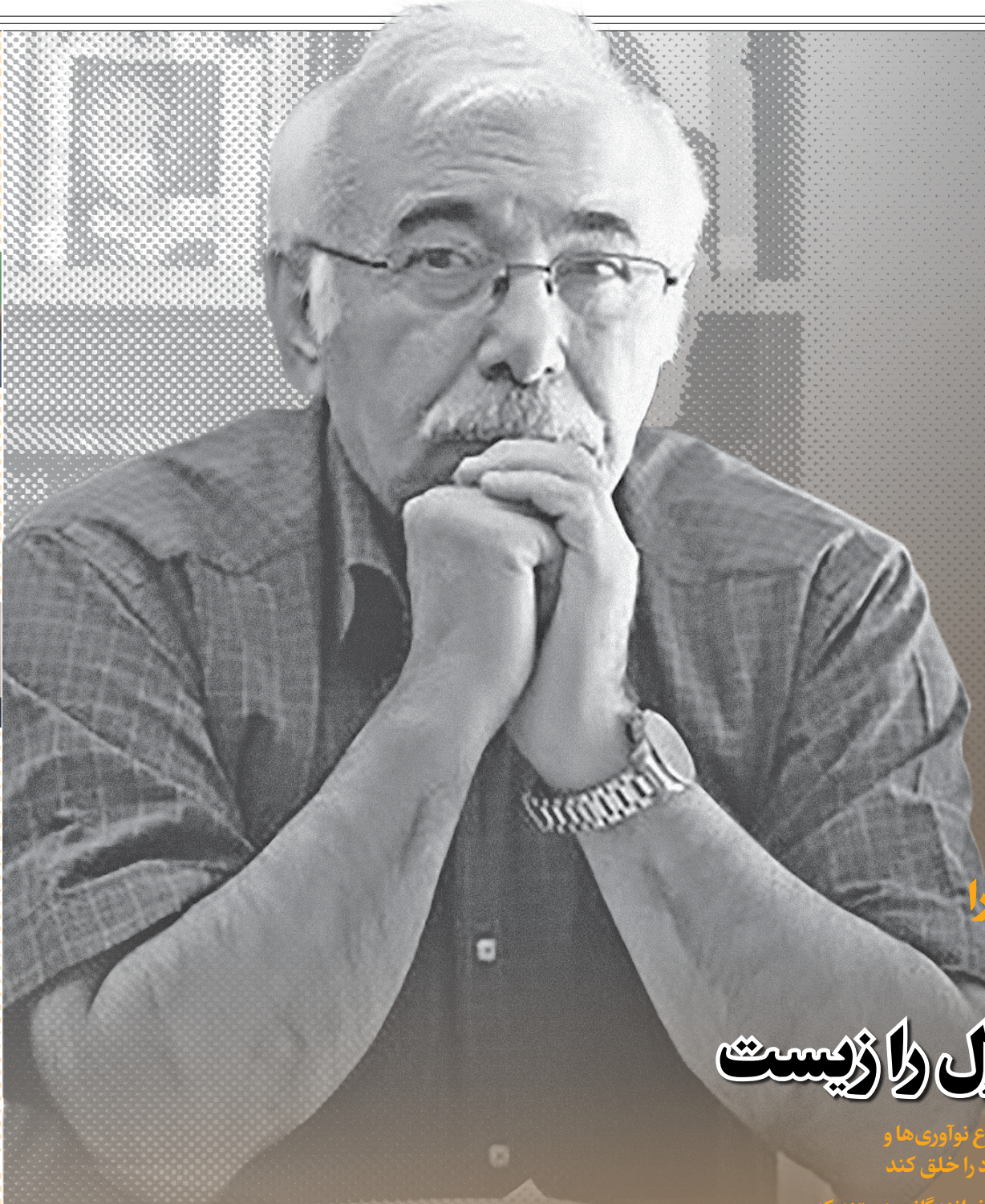
سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی، درگذشت محمدعلی بهمنی شاعر نامدار کشورمان را تسلیت گفته است. در بخشی از پیام او آمده: «بی تردید این شاعر بزرگ پیش از هفت دهه در حوزه شعر و سپهر ادبیات غنی پارسی تنفس کرد و با سرودن اشعار و ترانه‌های ناب بر آن افزود و با عنوان معلمی بی ادعا در این حوزه راهنمون نسل‌های مختلف از شاعران جوان بود و خواهد بود. درخواست‌های گسترده مردم شریف و حق شناس بندرعباس، تشکل‌های فرهنگی و هنری، هنرمندان و مسئولان استان هرمزگان برای پذیرا بودن کالبدشان در یکی از مراکز فرهنگی استان، نشان از تلاش‌های ارجمند ایشان در آن منطقه عزیز دارد و امید که این مهم موجب و موحد اتفاقات مبارک در حوزه شعر و ادب و حفظ و گسترش زبان و ادبیات پارسی باشد و روح لطیف‌اش در ساحل خلیج فارس آرام گیرد.»

محمد علی بهمنی، شعر و اهالی اش را در هشتاد و دو سالگی بدرود گفت

شاعری که نیماگونه غزل را زیست

محمدعلی بهمنی از جمله شاعرانی بود که کوشید با بهره‌گیری از انواع نوآوری‌ها و ساختار شکنی‌ها در ارکان تشکیل‌دهنده شعر، زبان شعری خاص خود را خلق کند

زنده‌یاد ناصر عبداللہی، همایون شجریان و علیرضا قربانی از جمله خوانندگان هستند که سروده‌های بهمنی را در دنیای موسیقی ماندگار کرده‌اند



یاد

بهمنی نقش مؤثری در پیوند شعر امروز با مردم ایفا کرد



محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر نقش مؤثری که بهمنی در برقراری پیوند میان شعر امروز با مردم و نسل جوان ایجاد کرد گفت: «این چهره ماندگار خوش‌ذوق و فرهیخته، نقش مؤثری در سیر تکوینی شعر و غزل معاصر و بهره‌مندی از مضامین و مفاهیم پر معنا داشتند که با آثار ارزشمند خویش در پیوند شعر امروز با مردم و نسل جوان، نقشی تأثیرگذار ایفا نمود و دستاوردهای ادبی‌شان در کنجینه معنوی و فرهنگی کشور به یادگار خواهد ماند.»

قدرکلمات را بدانید، شاعر رفتنی است



افشین آغا، شاعر و نویسنده هم در سوگ فقدان محمد علی بهمنی دست به انتشار یادداشتی زده که در بخشی از آن آمده: «این روزها در بستر بیماری‌ام، تب، تهوع و ضعف شدید، امانم را بریده است. گاه پس از ساعت‌هایی قراری به خواب می‌روم، اما چه خوابی؟ کافی است چشم برهم بگذارم تا کابوس‌های غریب مثل خواب‌های جنون‌آسای هامون در فیلم جاودانه مهرجویی، بر سرم آوار شود. وقتی هم که بیدار می‌شوم، حتی تاب تحمل نور چراغ، صدای تلویزیون و همهمه دور و برم را ندارم. فکرش را بکنید، درست در اوج این تب‌ها و بی‌قراری‌ها، خبر پرواز ابتدای استاد محمدعلی بهمنی خالق آن همه غزل و ترانه و مهربانی و لبخند و خاطره هم به گوشم رسید! اول فکر کردم این خبر هم از همان کابوس سهرنگینی است که این روزها و شبهای طاقت‌سوز، دچارشان هستم. اما با شروع تماس‌ها و پیام‌ها، واقعیت مثل پنجه‌ای تیز و بی‌رحم، دلم را چنگ زد و حالم را به رم ریخت. خیرت خراب‌تر کرد جراح جلدایی... او ادامه داد: «از همگان می‌خواهم قدر کلمه را، قدر سخن را و قدر شاعران را بیشتر بدانند. شاعر رفتنی است، شاعر طاقش کم است، شاعر مثل شاپرک است. سرانگشت خشونت و ناسپاسی، کرده‌های لطیف بال این پروانه را فرو می‌ریزد. همین کافی است تا جان او استانده شود. با شاعران مهربان باشید...»

شاعری نوگرا اما غیرانگارد



حمیدرضا شاکر سراسری، بهمنی را از شاعرانی خواننده که به صورت تدریجی تغییراتی در غزل ایجاد کرده بود، در بخشی از نوشته شاعر و منتقد ادبی آمده: «چهره‌هایی از جمله محمدعلی بهمنی زبان غزل را به سمت زبان امروزی سوق دادند و به تدریج حایره‌ها و واژگانی مرسوم و مألوف را در غزل تغییر داده و به سمت دایره واژگانی روزگار خودمان سوق دادند. اینها کسانی هستند که فضای غزل را از فضاهای تفریحی و عرفانی به سمت فضای تفریحی و اجتماعی هدایت کردند. ناگفته نماند، غزل بهمنی علی‌رغم نوگرایی با پیشینه‌های رادیکال غزل سراسران جوان دهه ۱۳۷۰ به بعد منطبق نماند و همچنان در فضای نوغدیایی و نئوکلاسیک باقی ماند و از این منظر می‌توان غزل بهمنی را غزلی زیبا و دلنشین در حوزه غزل نوغدیایی دانست. بهمنی همیشه در نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، جلسات و سخنرانی‌هایی که داشت همواره به غزل خود ۱۳۷۰ به بعد یعنی غزل موسوم به غزل بیست‌مدن و یا غزل پستانوری خوش نشان می‌داد. علی‌رغم اینکه خودش در مرحله اولی از غزل نوغدیایی قرار گرفته بود، همیشه به غزل جوان و غزل پساقدما می‌روی خوش نشان داد و همیشه پشتیبان این غزل بود.»

غزل را همچون فرزند خود دوست داشت



رضا حمیدی، دبیر اسبق جشنواره بین‌المللی شعر فجر نیز با اشاره به ویژگی‌های غزل سراسری زنده یاد محمدعلی بهمنی گفته: «زنده یاد محمدعلی بهمنی غزل را از خطر گرفتاری به دام ابتذال رهایی بخشید. او همراه با حسین منزوی، هوشنگ ابتهاج و سیمین بهبهانی، با ایجاد ساختاری جدید و با زبان امروزی باعث شد تا شاعران آفرین از ظرفیت‌های جدیدی از شعر آشنا شوند. مرحوم بهمنی دغدغه شعر داشت و برای ماندگاری غزل بسیار تلاش کرد و شاگردان زیادی در این عرصه تربیت کرد، او شاعری اجتماعی بود و هرگز آنرا پیشه نکرد و همیشه در صحنه ادبیات حضور پررنگ داشت. بهمنی غزل را همچون فرزند خویش دوست داشت و کسانی که در این حوزه دستی داشتند، تقویت و حمایت می‌کرد.»

یکی از مهم‌ترین غزل‌سرایان معاصر



سعد پیاپانی، شاعر و طنزپرداز هم درباره درگذشت محمدعلی بهمنی گفته: «بهمنی یکی از مهم‌ترین غزل‌سرایان سده اخیر بود؛ یکی از شاعرانی که به غزل‌نمایی و یا پسانیمایی شهره بود. دلیل اینکه می‌توان زنده‌یاد بهمنی را شاعر غزل‌نمایی معرفی کرد، این است که خیلی از شاعران بعد از طرح نظریات نیما (پوشیج) مسیر قبیل را رفتند و تلاش کردند شعر گذشتگان را سرمشق شعر خود، قرار دهند اما امثال آقایان بهمنی و منزوی و خاتم بهبهانی سرمشق غزل خود را زندگی انسان امروز قرار دادند. این موضوع عمده‌ترین تفاوت آقای بهمنی با امثال آقای ابتهاج است. به گمانم در حوزه ترانه‌سرایی هم همین‌طور است.»

ادبیات چیزی نیست که در قالب گزارشی کوتاه بتوان درباره آن صحبت کرد. با این حال همان‌گونه که در مقاله‌ای دانشگاهی با عنوان «هنجارگریزی‌های محمدعلی بهمنی در قالب سنتی غزل و تجربه قالب‌های نوین شعری» هم آمده، محمدعلی بهمنی ازجمله شاعرانی بود که کوشید با بهره‌گیری از انواع نوآوری‌ها و ساختار شکنی‌ها در ارکان تشکیل‌دهنده شعر، زبان شعری خاص خود را خلق کند. یکی از جلوه‌های این نوآوری، آشنایی زدایی و ساختار شکنی بهمنی در قالب‌های سنتی شعر، بویژه غزل و نیز تجربه موفق قالب‌های شعری جدید است. او تلاش کرد با بهره‌مندی از قالب‌های نوگرایانه، به غزل امروزی حیاتی تازه ببخشد. سرودن غزل‌هایی با ساختار نوایی، نمایشنامه‌ای و نیمایی، ایجاد فصل‌بندی در غزل، استفاده از ساختار شعرهای دیداری، طبع آزمایی در قالب‌های شعری بسیار کوتاه مانند ترانک، هایکو، سراسری شعرهای بلند و... از تجربه‌های موفق هستند که در کارنامه کاری مرحوم بهمنی و برای ایجاد تحول و نوآوری در حیطه شعر، بویژه غزل ثبت شده‌اند. از محمد علی بهمنی، مجموعه اشعار بسیاری

ادب آن روزگار را فراهم می‌کند. بهمنی تا پیش از پیروزی انقلاب، در همکاری با رادیو، برنامه صفحه شعر را برای شبکه استانی خلیج فارس اجرا کرد. بعد از آن هم همکاری‌های رسانه‌ای خود را با هفته‌نامه‌های از هرمزگان ادامه داد. بعد از سال ۵۷ هم به تهران آمد، مدتی ماند و مجدد به بندرعباس بازگشت. او طی سال‌ها زندگی در بندرعباس مسئولیت اداره چندین چاپخانه و مؤسسه انتشاراتی را برعهده گرفت. او طی یک دهه اخیر، ریاست شورای شعر و ترانه دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را هم به عهده داشت؛ هرچند که ایفای نقش او در این جایگاه حاشیه‌هایی از برای بهمنی به دنبال داشت؛ آنچنان که در سال ۹۷ ضمن اعلام خداحافظی اش، به انتشار چند سطر در فضای مجازی اکتفا کرد، بدین مضمون که: «فقط به این دلیل که دیگر مزاحم ترانه‌های ضعیف نباشم. با شرم خداحافظی می‌کنم.»

نگاهی به کارنامه کاری بهمنی

صحبت از جایگاه ادبی بهمنی در عرصه شعر

برای عبادت از برادرش بوده‌اند که او در قطار متولد می‌شود و دزفول به شناسنامه‌اش گره می‌خورد. وگرنه والدینش اصالتاً تهرانی بوده‌اند. دوران کودکی‌اش در نقاط مختلفی از پایتخت سپری می‌شود؛ او در این رابطه گفته بود: «دوران کودکی را به صورت پراکنده در تهران، بخش شمیرانات، شهرری، کرج و... بودیم، چون پدرم شاغل در راه‌آهن بود. ماموریت‌های ایستگاهی داشت. از سال ۱۳۵۳ هم به بندرعباس رفتم.» محمد علی بهمنی، طی دهه‌های گذشته بنا به قبول مسئولیت‌های ادبی و هنری مختلف و همچنین برای حضور در محافل ادبی، بین بندرعباس و تهران در رفت‌وآمد مداوم بود. استعداد شعری بهمنی، در دوران کودکی‌اش و زمانی که مشغول کار در چاپخانه‌های تهران بوده کشف می‌شود. آن هم به لطف آشنایی با فریدون مشیری که اداره صفحه شعر و ادب مجله روشنفکر را به عهده داشته است. مشیری، بانی انتشار نخستین شعر بهمنی در سال ۱۳۲۱ بود. زمانی که ۹ سال بیشتر نداشته است؛ حضور در آن چاپخانه، فرصت آشنایی و دیدار بهمنی با بسیاری از چهره‌های فرهنگ و

مریم شهبازی، خبرنگار محمد علی بهمنی، شاعر و ترانه‌سرای شهیر کشورمان پس از چند دوره تحمل بیماری، در هشتاد و دو سالگی با شعرپارسی و اهالی‌اش بدرود گفت؛ شاعری که عشق از نقاط جدی آثارش بود و هرگز خود و سروده‌هایش را جدا از مردم و زمانه‌اش ندید و شاید همین است که به ادعای اهالی ادبیات، بیش از هر شاعر دیگری در جست‌وجوی مخاطبان عام و خاص در روزگار معاصر موفق بوده است. همان‌طور که در نوشته‌های مصطفی مدحتی خراسانی و رضا اسماعیلی، درباره زنده‌یاد بهمنی در روزنامه ایران امروز آمده. آنچه بیش از همه درباره این شاعر و غزل‌سرای معاصر خودنمایی می‌کند این است که ظرف غزل‌اش را از رودخانه نیمایی پر کرده بود. ادعایی که فارغ از هر اغراقی، خودش نیز بارها در سارایش گفته بود: «جسم همه غزل و روح همه نیمایی است.»

از تولد در قطار تا شناسنامه دزفولی

محمد علی بهمنی، متولد بیست و هفت فروردین ۱۳۲۱ دزفول بود؛ مهر شناسنامه دزفولی‌اش البته ماجراجوی خوانندگی دارد که اشاره مختصری از آن در ادامه آمده: خانواده‌اش در راه سفر به دزفول،

اندر چرایی محبوبیت محمدعلی بهمنی



رضا اسماعیلی شاعر و منتقد ادبی

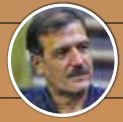
چند روز قبل از آسمانی شدن استاد بهمنی، دوستی که خبر بستری شدن استاد در بیمارستان را شنیده بود، با من تماس گرفت و پرسید: چرا محمدعلی بهمنی محبوب است؟ چون در آن زمان وضعیت روحی مناسبی نداشتیم، در پاسخ فقط گفت برای سلامتی استاد دعا کنید.

امروز که خبر آسمانی شدن «غزل‌مرد نیمایی» استاد بهمنی را شنیدیم، به سؤال آن دوست بیشتر فکر کردم. آری، بهمنی شاعری دوست‌داشتنی، دیدنی و شنیدنی بود. اما به راستی راز محبوبیت شاعری چون محمدعلی بهمنی چیست؟ پاسخ این سؤال را باید در سلوک انسانی او جست‌وجو کرد. بهمنی پیش و بیش از آنکه شاعر خوبی باشد، انسان خوبی بود. خالق مجموعه شعر «شاعر شنیدنی است» به راستی مصداق این شعر سعدی بود که: «عاشقم بر همه عالم، که همه عالم از اوست» بهمنی فقط شعر نمی‌گفت، شعر را عاشقانه زندگی می‌کرد. او بسیار و بسیار شبیه شعرهایش بود. بهمنی شعر را نفس می‌کشید و با مهربانی واژه‌ها زندگی می‌کرد. همین خصیصه بود که از او شاعری دوست‌داشتنی ساخته بود، جاذبه فروتنی، صداقت و محبت: «گرتو معذوب کجا آباد دنیا، من اما/ جذبه‌ای دارم که دنیا را بدین جام می‌کنشام»

علت دیگر محبوبیت استاد بهمنی، مردمی بودن اوست. بهمنی شاعری از جنس مردم و با مردم بود. از همین رو شعرش با جان و جهان مردم پیوند خورده بود: «من با زبان خانه / من با زبان کوچه و بازار / من با زبان همشهری‌هایم / ساده و زک حرف می‌زنم...»

مردم انتظار دارند سیمای فریغ خویش را در آینه شعر شاعران معاصر ببینند، نه آن‌گونه که شاعر نقاشی می‌کند،

استمرار پرتین یک نام



مصطفی مدحتی خراسانی شاعر و منتقد ادبی

مردم جاری و ساری می‌شود. جالب اینکه مشابه این مورد درباره اکثر قرب به اتفاق شعرهای بهمنی صادق است. او پیچیده‌ترین دریافت‌ها و کشف و شهودهای معرفتی را به گونه‌ای در ساده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین شکل ممکن به جان مخاطب منتقل می‌کند که هم مورد توجه مخاطبان خاص قرار می‌گیرد و هم عموم مردم آن را درک کرده و می‌پسندند.

خصوصیت دیگری که موجب قرار گرفتن بهمنی در این جایگاه منحصر به فرد در غزل معاصر شد، اوج ماندن او در عرصه سرودن اشعار تازه و همچنین حضورش در محافل و مجامع ادبی بود. آخرین بار

همین چند ماه پیش به‌رغم آنکه استاد به تازگی از بستر بیماری برخاسته بود، توفیق همراهی ایشان را در اردوی آموزشی آفتابگردان‌های مؤسسه شهرستان ادب پیدا کردم تا شاهد حضور سرشار از طراوت مهر

ایشان برای آموزش و تربیت نسل جوان باشم. این رویه طی دهه‌ها حضور استاد بهمنی برای بهره‌مندی شاعران جوان از آموزه‌های ایشان کم‌رنگ نشد، آنچنان که جای‌جای محافل ادبی ایران ملو از خاطرات محمدعلی بهمنی است. زندگی چون مردم و با مردم، یکی از مهم‌ترین عوامل رسیدن

استاد بهمنی به این زبان سهل و ممتنع بود که ادامه مسیر سرودن استاد بهمنی را با همان ذهن غزل معاصر است. آنچنان که گفته است: «گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود» همین یک مصرع که به ظاهر ساده‌تر از سخن گفتن عادی و روزمره به نظر می‌رسد، آنقدر در پس ظاهر ساده‌اش

پشتوانه‌های احساسی، عاطفی، اندیشگی و انسانی و ذوقی دارد که آن را تبدیل به یکی از معروف‌ترین مصرع‌های شعر معاصر می‌کند؛ شعری که به مناسبت‌های مختلف در ذهن و زبان توده‌های

بیش از نیم قرن است که نام محمدعلی بهمنی بر تارک غزل معاصر فارسی می‌درخشد و با شنیدن این نام نسیمی از طراوت، مهر، خرد و روشنی وزیدن می‌گیرد؛ نامی که از همان سال‌های اولیه درخشش و پرشکوه و با صلابت در اوج قرار گرفت و بیش از ۶ دهه همچنان تا آخرین نفس در اوج ایستاد و چون درختی فرازمند، ایستاده به آسمان قد کشید و پرواز کرد.

اگر چه در سیر تحول غزل معاصر، شاعران بسیاری نقش داشته و برخی از آنها در آغاز این حرکت و تحول بر محمدعلی بهمنی تقدم دارند، اما باید پذیرفت که مراحل بعد این سیر تحولی که منجر به پذیرفتن و اقبال عمومی و در نهایت تثبیت این جریان شد، موهون ذوق، خلاقیت، بینش و دانش چند چهره انگشت‌شمار است که محمدعلی بهمنی به دلیل ویژگی‌های خاص ذهنی و زبانی از طرفی و شخصیت و مشرب اجتماعی از طرفی دیگر، سرآمد این چند چهره انگشت‌شمار است.

زبان شعر بهمنی نمونه برجسته، سهل و ممتنع در غزل معاصر است. آنچنان که گفته است: «گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود» همین یک مصرع که به ظاهر ساده‌تر از سخن گفتن عادی و روزمره به نظر می‌رسد، آنقدر در پس ظاهر ساده‌اش پشتوانه‌های احساسی، عاطفی، اندیشگی و انسانی و ذوقی دارد که آن را تبدیل به یکی از معروف‌ترین مصرع‌های شعر معاصر می‌کند؛ شعری که به مناسبت‌های مختلف در ذهن و زبان توده‌های